

آشنایی با پروانه آتیان / ۹	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
رفیق پانجونی در زاپلوار / ۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
از طرف نویسنده، به جای مقدمه / ۲۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
الف - زاپلوار، ۱۵ سپتامبر، ۱۹۰۸ / ۲۳	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
ب - زاپلوار، ۲ اکتبر، ۱۹۰۸ / ۲۶	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
پ - زاپلوار، ۲۰ اکتبر، ۱۹۰۸ / ۳۰	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
ت - زاپلوار، ۳ نوامبر، ۱۹۰۸ / ۳۶	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
ث - زاپلوار، ۲۰ نوامبر، ۱۹۰۸ / ۴۰	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
ج - زاپلوار، ۶ دسامبر، ۱۹۰۸ / ۴۴	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
چ - زاپلوار، ۱۴ دسامبر، ۱۹۰۸ / ۴۸	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱
ح - زاپلوار، ۲۴ دسامبر، ۱۹۰۸ / ۵۲	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱	۶۰۶۱۱

آشنایی با پروانه آبیان

- پروانه آبیان ۱۹ سپتامبر سال ۱۹۰۹ در شهرستان اودیسای در استان کرمان
وادیاد سرشمار بود. پدرش حاج میرزا آقاسی آبیان، یکی از صاحبان زمینهای
وزارت امور خارجه دولت عثمانی
کلیه امور دولت و تحریک مردم
نویسنده و روزنامه نویس و آهنگساز
و گویش و روحانی بود و چند کتاب
مجموعه آشنایی با ادبیات به مطالبی
فصل خوارکی پروانه آبیان
- ح - وان، ۳۰ نوامبر، ۱۹۱۰ / ۱۰۳
 خ - وان، ۲۰ دسامبر، ۱۹۱۰ / ۱۰۷
 چ - وان، ۱۱ ژانویه، ۱۹۱۰ / ۱۱۱
 ح - وان، ۲۵ ژوئن، ۱۹۱۱ / ۱۱۵
 خ - وان، ۱۹ فوریه، ۱۹۱۱ / ۱۲۰
 د - وان، ۶ فوریه، ۱۹۱۱ (روستای بجیج، دیر کراپوتکین) / ۱۲۵
 ز - وان، ۳ مارس، ۱۹۱۱ (روستای بجیج، دیر کراپوتکین) / ۱۲۹
 رفیق پانجونی در غربت / ۱۳۴
 بخش الف. پانجونی زیر چادرهای تارسوس / ۱۴۱
 بخش ب. پانجونی در تارسوس / ۱۴۷
 بخش پ. اودیسای غمگین / ۱۵۶
 بخش ت. رفیق پانجونی در حلب / ۱۶۲

- خ - زاپلوار، ۴ ژانویه، ۱۹۰۹ / ۵۶
 د - زاپلوار، ۳ فوریه، ۱۹۰۹ / ۶۰
 ذ - زاپلوار، ۱۹ فوریه، ۱۹۰۹ / ۶۴
 ر - ماشگرد، ۲۷ فوریه، ۱۹۰۹ / ۶۷
 رفیق پانجونی در واسپوراکان / ۷۲
 الف - ۲۰ ماه مه سال ۱۹۰۹، شهر وان / ۷۵
 ب - وان، ۲ جولای، ۱۹۰۹ / ۷۹
 پ - وان، ۲ آگوست، ۱۹۰۹ / ۸۳
 ت - وان، ۴ سپتامبر، ۱۹۰۹ / ۸۶
 ث - وان، ۴ اکتبر، ۱۹۰۹ / ۹۰
 ج - وان، ۱۸ اکتبر، ۱۹۰۹ / ۹۵
 چ - وان، ۶ نوامبر، ۱۹۱۰ / ۹۹

آشنایی با یرواند اُتیان

یرواند اُتیان ۱۹ سپتامبر سال ۱۸۶۹ در قسطنطنیه به دنیا آمد. خانواده او از روشن فکران و ادیبان سرشناس بودند. پدرش خاچیک اُتیان، یکی از صاحب‌منصبان بلند پایه‌ی وزارت امور خارجه‌ی دولت عثمانی و کنسول عثمانی در برلین و رومانی بود. گاهی هم می‌نوشت و ترجمه می‌کرد. مادر او ماکروهی اصلاتیان - اُتیان نیز زنی ادیب و فرهنگی بود. تربیت و آموزش یرواند را عمویش گریگور به عهده داشت و کودکی و نوجوانی او در چنین محیطی سپری شد. به محض آشنایی با ادبیات به مطالعه‌ی کتاب‌های ارمنی و فرانسه‌ی کتابخانه نفیس خانوادگی پرداخت.

از اواخر دهه‌ی هشتاد کار ادبی خود را با ترجمه و تحقیق در زمینه‌ی تاریخ ادبیات شروع و رمان‌های «آنا کارنینا» و «رستاخیز» لئو تولستوی را ترجمه کرد.

یرواند اُتیان طنزپرداز چیره‌دستی بود. با شناخت جامعه‌ی خود، مسائل آن را با دیدی طنزآمیز مورد انتقاد قرار می‌داد.

در میان آثار طنز او «رفیق پانجونی» یک شاهکار است. موضوع اصلی این داستان برگرفته از واقعیت موجود در ارمنستان غربی و فعالیت احزاب ملی است.